

## بهار را باور کن زندگی زیباست!

بهار می‌رود تا بر بستر چمن خیمه زند و با همه طراوت و زیباییش دشت و دمن را به لشکر غنچه و شکوفه بیاراید. ترنم باران بر گلبرگهای گلگون لاله ها، پیشش نسیم صبا در پیچک و اقاقی و ترانه خوانی بلبل و مرغان خوش الحان، پرده‌هایی از سمفونی با شکوهی‌اند که شکست محتوم سیاهی را مژده میدهند و نوید تداوم پیوسته هستی طبیعت را.

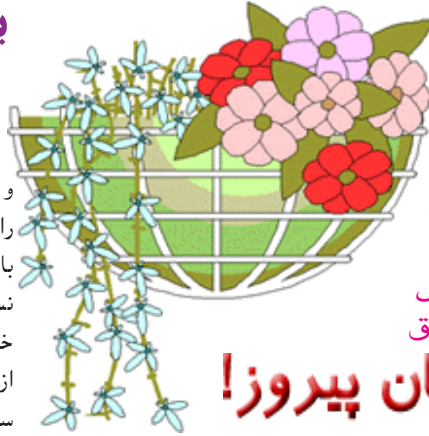
«آری زندگی زیباست». باشد که بهار واقعی زندگی انسان با تلاش پیوسته و همبسته همه عاشقان و رهروان آن پدیدار گردد.

بهار را باور کن! باید که بر گستره گیتی بانگ برآورد که دنیا را باید از نو ساخت. باید که بر ستم و سیاهی یورش برد. باید که ستم و استثمار، فقر و تنگدستی، بیماری، گرسنگی، اعتیاد و فحشا و هر آنچه که زندگی انسان را به تباهی می‌کشد از میان برداشت. باید زندان، شکنجه، اسارت، قتل و اعدام و هر آنچه که انسانیت انسانها را به خواری و ذلت میکشاند محو نمود. باید که جای اسارت را آزادی، جای حقارت را سربلندی و جای فقر و تنگدستی را عزت و رفاه جایگزین شود. باید که دنیایی ساخت تا در آن انسان آزاد و برابر بدور از هر گونه ستمی، اوج شکوه و تعالی را درنوردد و خنده و تبسم نقش همیشگی چهره ها شود. این نه یک آرزوی محال که یک امر محتوم است، تنها باید که دستها را بهم گره زد و صداها را یکی کرد. «آری زندگی زیباست» بهار را باور کن!

## پرشش از کریم منیری از فعالین جنبش کارگری

جهان امروز: اعتراضات و اعتصابات کارگران در ماههای گذشته عمدتاً بخاطر حقوق پرداخت نشده‌شان، ابعاد وسیعی داشته است. طفره رفتن و بی‌توجهی به این خواست‌ها از طرف کارفرمایان و دستگیری و روانه زندان کردن کارگران - همانگونه که در مورد کارگران سیمین اصفهان روی داد - به نظر می‌رسد که به روالی از طرف رژیم برعلیه کارگران تبدیل شده و می‌شود. حرکت حمایتی نیروهای طرفدار کارگران پراکنده، غیر مستمر و ناهماهنگ است. علت این مسئله از نظر شما چیست و چگونه می‌توان بر این ضعف فایق آمد و بطور کلی چه باید کرد؟

صفحه ۵



بهار با همه شادابی، طراوت و زیباییش ادامه منطقی روند زندگی است. آنچه امروز از غنچه، شکوفه و گل دامان دشت، کوه و صحرا را به زینت آراسته است، حاصل تلاشی همبسته، تدریجی و استوار است که در فصل انجماد و در دل خاک جاری بوده است.

بهار واقعی زندگی انسان نیز با تلاش و مبارزه در دل سیاهی امروز تحقق می‌یابد.

## بهار و نوروزتان پیروز!

### یادداشت سیاسی

## جناح‌ها و "انتخابات"

صلاح مازوجی  
مباحث مربوط به هشتمین دوره "انتخابات" ریاست جمهوری این روزها عناوین و تم اصلی بسیاری از مطالب مطبوعات داخل را بخود اختصاص داده است. این "انتخابات" فرصتی دیگر برای تجدید آرایش جناحهای درون حکومت است. در حالی که جدالهای علنی و پشت پرده تداوم دارد هنوز هیچکدام از جناحهای اصلی درون حکومت کاندیداهای مورد نظر خود را معرفی نکرده‌اند. "دور اندیشان" و "خرد گرایان" هر دو جناح در دستیابی به یک استراتژی واحد در زمینه "انتخابات" تلاش میکنند. ظاهراً رشد جنبش توده ای و هراس از گسترش آن سران هر دو جناح را به دوراندیشی و فراجناحی عمل کردن واداشته است. هر دو جناح خواهان آند که پروسه و نتایج "انتخابات" بگونه ای پیش رود که از قبل آن لطمه ای به چهارچوب نظام اسلامی و امنیت ملی وارد نیاید.

تا جایی که به سران اصلی دو جناح بر می‌گردد، آنها از مدت‌ها پیش زمینه این همگرایی را بوجود آورده‌اند. خاتمی از حدود یک سال پیش به عنوان یکی از معماران اصلی سیاست «آرامش فعال» در مقابل یورشهای سبعانه محافظه کاران شناخته شده است و از مردم سالاری دینی و ضرورت تثبیت موقعیت ولایت فقیه هم، کم نگفته است. در مقابل خامنه ای هم بارها تلاش کرده است تا مرز خود را با متحجرین و افراطی گری تندروان جناح راست روشن سازد و از عدم

صفحه ۲

## سالی که گذشت!

آخرین روزهای سال ۷۹ است. سالی بحرانی برای حاکمیت و سالی دشوار برای مردم! سالی دیگر افزون بر سلطه ننگین جمهوری اسلامی بر مردم ایران.

صفحه ۳

## مهاجرت و فرارمغزها پدیده همزاد جمهوری اسلامی

صفحه ۶

### گزارشات برکزاری

### مراسم ۸ مارس روز جهانی زن

صفحه ۸

### اعتراضات گسترده جوانان در مراسم های چهارشنبه سوری بر علیه رژیم

صفحه ۷

## جناح‌ها و انتخابات

ضدیت اسلام با «اصلاحات» و رفتار قانونمند سخن به میان آورده است. جناح محافظه کار طی چند سال گذشته برای جلوگیری از حرکت مستقیم توده‌ها و حفظ نظام تمام ظرفیت‌های جبهه دوم خرداد را بکار گرفت. این جناح با اتکا به مماشات جویی‌ها و ترس و زبونی سران «دوم خردادی‌ها» بود که قادر شد یورش به دانشگاه را سازمان دهد، بخش زیادی از مطبوعات را به تعطیلی بکشاند و سر و ته پرونده‌های مربوط به قتل‌های زنجیره‌ای و کشتار دانشگاه را به هم بیاورد و... .

برگزاری هشتمین دوره «انتخابات» ریاست جمهوری آنهم در شرایطی که مبارزه و اعتراضات کارگران و توده‌های مردم گسترش یافته است، سران هر دو جناح را بر آن داشته تا بار دیگر برای مقابله با ابتکار توده‌ها صفوف خود را از نو آرایش دهند. اکنون دیگر شکل گیری یک ائتلاف جدید از سران دو جناح، از سطح تحلیل فراتر رفته است و دارد جنبه عملی بخود می‌گیرد. متفکران محافظه کار محمدجواد لاریجانی در مصاحبه با روزنامه انتخاب و محمد مهدی فقیهی سردبیر روزنامه انتخاب در مصاحبه با ایرنا هر دو آشکارا از شکل گیری یک «جریان نواندیش جدید» در درون جناح محافظه کار صحبت می‌کنند. از طرف دیگر محمد نعمتی از سران دوم خرداد و عضو هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی اصالت این حرکت در درون جبهه محافظه کاران را تأیید می‌کند. وی در یک میزگرد مطبوعاتی می‌گوید: «من فکر می‌کنم بسیاری از آقایان در جناح راست قواعد بازی را بلدند، اما بخاطر اینکه در چنبره یک فضای سنگین سیاسی قرار داشته‌اند کمتر توانسته‌اند خود را بروز دهند، اما در حال حاضر این جسارت در جناح راست پیدا شده و گمان می‌کنند که آینده و حیثیت سیاسی شان وابسته به این است که از این چنبره خارج شوند، البته ممکن است در پس این موضوع مصلحت‌هایی وجود داشته باشد اما در هر

حال این امر اصالت دارد و در سوابق این افراد هم هیچگونه برخورد‌های متکی به خشونت مشاهده نمی‌کنیم و یاکمتر شاهدیم».

اما علیرغم همسوئی سران دو جناح مدت زمان مانده به «انتخابات» خالی از چالش نخواهد بود، بسیاری از تندروان جناح محافظه کار که هم اکنون در روزنامه‌های رسالت، کیهان و خبرگان رهبری سنگر گرفته و یا در باند‌های جنایتکار وابسته به آنها سازمان یافته‌اند، بر خلاف مصلحت اندیشی‌های ولی فقیه «انتخابات» هشتمین دوره ریاست جمهوری را بهترین فرصت برای خلاصی از شر اصلاح طلبان حکومتی می‌دانند. اینها به چیزی کمتر از حذف و خروج کامل سران جبهه دوم خرداد از مراکز اصلی قدرت نمی‌اندیشند. تشدید حملات تبلیغی علیه شخص خاتمی، تحت فشار قرار دادن محافل و نهادهای وابسته به ریاست جمهوری و مخالفت با سیاست‌های دولت، همگی این هدف را تعقیب می‌کند که شخص خاتمی را از صحنه رقابت خارج کنند. البته همه اینها با اطلاع و تأیید تلویحی رهبر انجام می‌گیرد، با این همه این بدان معنی نیست که خامنه‌ای حذف خاتمی را به صلاح نظام اسلامی می‌داند. وی بخوبی آگاه است که این نوع عملیات‌های ایذائی راه را برای رسیدن به توافقات هموارتر می‌کند. از طرف دیگر سران جبهه دوم خرداد که کشمکش‌های سه، چهار سال گذشته صفوفشان را تجزیه کرده است، تداوم حیات سیاسی خود را در گرو بقای خود در مراکز قدرت می‌دانند و به این امر واقفند که از دست دادن اهرمهای قدرت بمعنای اعلام رسمی شکست و رانده شدن به حاشیه جدال‌های سیاسی موجود و تنزل کردن به موقعیت نیروهایی مانند نهضت آزادی و... است و این را خودکشی سیاسی تلقی می‌کنند و درست از همین زاویه است که انتخابات این دوره و کاندیداتوری شخص خاتمی برای آنها اهمیت تعیین کننده‌ای پیدا کرده است. آنها نگرانند که در صورت عدم کاندیداتوری خاتمی، نتوانند هیچکدام از چهره‌های شاخص خود را از صافی شورای نگهبان بگذرانند، چون در جریان جدالها و

پرونده‌های یکی دو سال گذشته بسیاری از چهره‌های شاخص این جریان شرایط کاندیداتوری برای احراز پست ریاست جمهوری را از دست داده‌اند. با این همه حضور یافتن خاتمی در مجلس شورای اسلامی و اعلام آمادگی تلویحی برای کاندیداتوری با این بیان که «تا روزی که مردم بخواهند و تا وقتی که بدانم میتوانم با وجود همه مشکلات گامی به جلو برداشتم در خدمت مردم هستم» باید این آقایان را تا حدودی از نگرانی بیرون آورده باشد. از اینها گذشته خامنه‌ای و رفسنجانی و دیگر «خردگرایان» جناح محافظه کار بنظر نمی‌رسد که خیال داشته باشند با افراطیون درون جبهه خود هم آوا شوند، آنها در شرایطی که جنبش توده‌ای هر روز اوج تازه‌ای می‌گیرد می‌خواهند آخرین بازمانده‌های ظرفیت سران دوم خرداد و فرد خاتمی را برای مقابله با توده‌ها بکار گیرند. بنابراین خاتمی برای کاندیداتوری خود، تأیید ضمنی خامنه‌ای را به همراه خواهد داشت. محافظه کاران اگر چنانچه کاندیداهایی را هم معرفی کنند، بیشتر بمنظور گرم کردن بازار انتخابات است تا کسب پیروزی. محافظه کاران همانطور که تاکنون نشان داده‌اند، در نظر دارند با اتکا به در اختیار داشتن کانونهای قدرتی چون شورای نگهبان، شورای مصلحت نظام، مقام رهبری و فرماندهی نیروهای انتظامی به اعمال قدرت خود ادامه دهند و در همان حال از مجلس، ریاست جمهوری، دولت و ارگانه‌های اجرایی وابسته به آن مانند سپر بلایی در رودرروئی با توده‌ها استفاده کنند.

افزافه بر نکات فوق رهبران جناح راست هشدارهای دولتهای اروپایی را جدی می‌گیرند. دولتهای اروپایی که از همان ابتدای سر کار آمدن خاتمی سیاست پشتیبانی از دوم خردادی‌ها را در پیش گرفتند، اخیراً دوباره از زبان رئیس پارلمان آلمان و رئیس دولت ایتالیا در سفرهایشان به تهران تحت این عنوان که جمهوری اسلامی دو راه بیشتر در پیش ندارد، یا پیشبرد اصلاحات و یا در پیش گرفتن انزوای بین المللی، بار دیگر صریحاً

پشتیبانی خود را از ریاست جمهوری خاتمی اعلام داشتند. اگر سران محافظه کار بدون توجه به تمام این فاکتورها سیاست حذف کامل سران دوم خرداد را در این انتخابات در پیش گیرند معلوم می‌شود که دارند خودشان را برای نبرد نهایی و کشتار و خشونت افسار گسیخته آماده می‌کنند. اما در این میان توده‌های مردم که در «انتخابات» پیشین با توهم اصلاح، تعدیل و سرانجام سرنگونی کم دردسر جمهوری اسلامی از راه انتخاب خاتمی به پای صندوق‌های رای رفتند، در دوره حاکمیت دوم خردادی‌ها، ضعف و زبونی، بن بست‌ها و پوچی وعده و وعیده‌های این حامیان لیبرال جهل و سرمایه را نیز تجربه کرده و به مرور خود را از دام جنگ و جدال جناح‌ها رها ساخته‌اند. اکنون کارگران و توده‌های مردم باید در تجربه عملی دریافته باشند که هر گونه عقب نشینی رژیم و هرگونه پیشروی در دستیابی به مطالباتشان فقط و فقط می‌تواند نتیجه مبارزه و اقدام مستقیم خودشان باشد.

کارگران آگاه و توده‌های مردم آزاده در این «انتخابات» شرکت نمی‌کنند، نه تنها به این دلیل که «انتخابات» در نظام جمهوری اسلامی ضد دموکراتیک است و ابتدایی ترین موازین دموکراتیک در آن رعایت نمی‌شود، بلکه به این خاطر هم که نمی‌خواهند بیش از این به نیروی ذخیره در جدال جناح‌های درون حاکمیت تبدیل شوند. کارگران می‌دانند که در جنگ فرسایشی جناح‌ها برای کسب موقعیت برتر قبل از همه این نیروی آنان و دیگر تهیدستان جامعه است که فرسوده می‌شود. بر خلاف تصویری که برخی از جریان‌های لیبرال درون اپوزیسیون می‌خواهند القا کنند این نه شرکت توده‌های مردم بلکه عدم شرکت آنها در این «انتخابات» است که می‌تواند بحران درونی رژیم را باز هم تشدید کند و زمینه را برای پیشروی‌های بعدی آماده تر کند.



با ارسال خبر و گزارش،  
نظر و پیشنهادات  
طرح و عکس،  
به انتشار پورتال جهان امروز  
کمک کنید.

سال تسلیم مردم به وضع موجود نبود. کارگران به شیوه‌ای بی سابقه و سراسری، مستقل از جار و جنجال بالائینها با تظاهرات، بستن جاده‌ها، اعتصابات، طومارهای اعتراضی برای حقوق خود مبارزه کردند. حرکت‌ها و اعتراضات دانشجویی مستقل‌تر و وسیع‌تر از گذشته پیش رفت، دهها اعتراض و تظاهرات توده‌ای از طرف مردم شهرها بر علیه رژیم را شاهد بودیم و ویژگی قابل توجه در این اعتراضات و مبارزات، باور بیشتر مردم به حرکت و جنبش و نیروی خود بود.

بدون شک سال آتی سالی متحول و سرنوشت ساز خواهد بود. هیچیک از جناح‌های رژیم برنامه‌ای برای تخفیف بحران اقتصادی دامنگیر جامعه ایران ندارند. الگوها، شعارها و وعده‌های جناح "اصلاح‌طلب" رژیم صرفنظر از هر موقعیتی که در دولت آتی پیدا بکنند، رنگ باخته است. جناح سنتی رژیم شمشیرها را از رو بسته و سرکوب عریان را وسیعاً در برنامه دارد و سعی خواهد کرد با سرکوب و اختناق، پایه‌های حکومتی‌اش را حفظ کند.

به تنگ آمدن مردم از وضع موجود از یک طرف و ناتوانی رژیم از حل



فضا برای آنها مقدور گردید. و بالاخره سال ۷۹، سال شکست دوباره الگوی سیاسی و اقتصادی جمهوری اسلامی در همه اشکال و فرمایش و با همه جناح‌هایش بود. شکستی بمراتب همه‌گیرتر و همه جانبه‌تر از مقطع ۲ خرداد ۷۶.

همزمان، سالی که گذشت برای پایینها یعنی کارگران و محرومان جامعه، سال تهیدست تر شدن و خالی‌تر شدن سفره‌هایشان بود. عوارض بحران اقتصادی، تورم لجام گسیخته، گرانی و رشد شتابان قیمت‌ها، بیکاری و.. بر زندگی و معیشت آنها بیشتر از هر زمانی سنگینی کرد. تعطیل و بسته شدن بیش از ۳۰۰ کارخانه و مرکز تولیدی، بیکار سازی دهها هزار کارگر، بتعویق افتادن ماهها حقوق و مزایای آنها را بهمراه داشت و آنها را در وضعیت دشوارتری از سالهای قبل قرار داد.

رشد بی سابقه هزینه‌ها از یک طرف و درآمد و حقوق ناچیز مزدبگیران از طرف دیگر زندگی را بر اکثریت مردم ایران باز هم تنگتر کرد. آمار قتل، خشونت، فرار دختران و جوانان از خانواده، کودکان خیابانی، معتادان مبتلا به مواد مخدر، خودکشی، تجارت جنسی، مهاجرت و.. فزونی یافت.

با همه این احوال سالی که گذشت،

هلمت احمدیان

## سالی که گذشت!

انتخاباتی و به ناکامی‌شان در "اصلاح" مواد بسیار پیش افتاده‌ای که هیچگاه از فیلتر شورای نگهبان رد نشد محدود نماند، فراتر چماق گروه‌های فشار "غیرقانونی" را اینبار قوه قضائیه "قانونا" به دست گرفت و روزنامه‌ها و نشریات آنها را بست. مهرهای فعال و اصلی‌شان را از "گود" خارج کرد، به محاکمه کشاند و روانه زندانها کرد و «جبهه - دیگر نه چندان جبهه - دوم خرداد به سنگرهای قبل از دوم خرداد ۷۶ باز گرداند.

این شکست را «دوم خردادیها» با تئوریه‌ها و توجیهاتی همچون «آرامش فعال» و... برای خود قابل تحمل ساختند و سعی کرده و می‌کنند جبهه تجزیه شده شان را به امید اوضاع بعد از "انتخابات" ۸۰ حول "ناجی" شان خاتمی "متحد" نگه دارند!!

سالی که گذشت، بر همین راستا سال درگیری مواضع جریان‌های سیاسی‌ای نیز بود که با شعار «درک شرایط جدید» تا حد بستن چمدانها و بازگشت به "مام میهن" برای کار قانونی پیش رفته بودند و پروژه و سوسمه‌های رنگارنگی همچون «آشتی ملی»، «دیالوگ فرهنگها» و.. را در دستور داشته یا نوید می‌دادند. حساب باز کرده‌های آنها نیز نتیجه‌ای نداد و مواضعشان را مجدداً کمی "زادیکال" کرده و دوباره صحبت از تغییر، نه اصلاح حاکمیت را سر دادند.

سالی که گذشت، همچنین سال عربده کشی‌های دوباره سران منفور انصار حزب الله و فرماندهان سپاه و کلا سال پیشبرد پروژه گسترده سرکوبی بود که از طرف جناح سنتی رژیم با سنگسار، اعدام در ملا عام، ترور، دستگیری و محاکمه گسترده مخالفین پیش رفت. "فیصله دادن" قلدرانه و شرمگینانه به گوشه‌ای افشا شده از جنایات رژیم موسوم به قتل‌های زنجیره‌ای و جرات پیدا کردن یکی از عاملین این قتل‌ها (فلاحیان) و اعلام کاندیداتوری‌اش برای "انتخابات" ریاست جمهوری در این

آخرین روزهای سال ۷۹ است. سالی بحرانی برای حاکمیت و سالی دشوار برای مردم! سالی دیگر افزون بر سلطه ننگین جمهوری اسلامی بر مردم ایران.

جنگالی‌ترین رویداد سال بین بالائینها، غروب و افول رویاهای بخشی از حاکمیت و دلالتان سیاسی‌شان بود که وعده می‌دادند می‌توان مذهب و "مدنیت" را در چهارچوب جمهوری اسلامی آشتی داد! می‌گفتند که «جمهوری اسلامی اصلاح پذیر است»!!

و می‌کوشیدند با گسترش "توسعه سیاسی"، جامع‌ای "قانونمدار و مدنی" در جوار خیمه‌های ولایت فقیه بسازند!! تا این حد مسئله، مختص سال ۷۹ نبود، چه قبل و بعد از ۲ خرداد ۷۶، برای این ادعا کار می‌شد و جبهه رنگارنگی از ملی- مذهبی‌ها، لیبرال‌ها، دمکرات‌ها و توده‌ای - اکثریتی آنها می‌آراستند و برایش در بوق و کرنا‌ی تبلیغاتی‌شان می‌دمیدند. ویژگی مسئله در سالی که گذشت این بود که اگر قبلاً "اصلاح‌طلبان" تنها در یکی از قوای رژیم (قوه مجریه) اکثریت داشتند و سیطره بنیادگرایان حکومتی بر دو قوه مقننه و قضائیه، بهانه‌ای برای توجیه ناتوانیشان برای رسیدن به جمهوری اسلامی‌ای تعدیل شده، از جانب آنان عنوان می‌شد، با اکثریت پیدا کردنشان در مجلس ششم (قوه مقننه) دیگر این توجیه نیز رنگ باخت. تسلط «دوم خردادی‌ها» بر دو قوه، نه تنها گام بلندی بسوی "تحقق" رویاهایشان از طرف آنها را به همراه نداشت، بلکه بعد از سوقصد به حجاریان و پیام خامنه‌ای رو به مجلس گامها به عقب رانده شدند. روندی که بار دیگر بر این حقیقت صحنه گذاشت که در "جمهوری اسلامی" تنها یک قوه و آنهم ولایت فقیه و "رهبر" است که حرف اول را می‌زند.

فضایا به ناتوانی «دوم خردادی» های مجلس در اجرای وعده‌های

- «جهان امروز» تنها مطالبی را چاپ می‌کند که صرفاً برای این نشریه ارسال شده باشد.  
- استفاده از مطالب جهان امروز، با ذکر ماخذ آزاد است.  
- مسئولیت مطالب «جهان امروز» با نویسندگان آن است و تنها مطالبی که با نام «جهان امروز» امضا شده باشند، موضع رسمی نشریه است.  
- مطالب «جهان امروز» با برنامه واژه نگار تاپ می‌شود و حداکثر سقف مطالب ارسالی دو صفحه آ ۲ با سایز ۱۶ می باشد.

## جهان امروز

سیاسی، خبری

۱۵ روز یکبار منتشر می‌شود.

سردبیر:

هلمت احمدیان

هزینه انتشار جهان امروز بعهد اسپانسورهای نشریه و کمک مالی دوستان و خوانندگان آن است. هزینه اشتراک تنها معادل هزینه پست نشریه است.  
می‌توانید با قید اینکه چند شماره نشریه را می‌خواهید آبونمان شوید، مبلغ معادل هزینه پستی را به حساب زیر واریز کرده و قبض پرداخت آن را به آدرس جهان امروز ارسال دارید.  
حساب بانکی جهان امروز  
**S-E Banken**  
**F-S**  
**53682990054**

کمک مالی به جهان امروز

از استکھلم

سلیمان ۳۰۰ کرون، سارا ۵۰ کرون

مریم ۸۰ کرون، هانا ۱۰۰ کرون

و سیمین ۱۰۰ کرون

اگر مایلید جهان امروز را از طریق

پست الکترونیکی دریافت دارید،

آدرس خود را برای ما ارسال دارید.

ha@cpiran.org



کارگری هنوز فاقد اولویت گذاری، آمادگی، صدا و تریبون خود برای شرکت هدمند در این اوضاع است. کمبودها و خلایک که بدون کار جدی برای رفع آن، نیروهای سیاسی را با هر نیتی که داشته باشند عملاً به دنباله روی گرایش طبقات دارا در تحولات آتی تبدیل خواهد کرد.

سال ۸۰ را به سال معطوف شدن همه‌جانبه و متحدانه همه مدافعین راستین تغییرات بنیادی در جامعه ایران به این رسالت فراموش یا کمرنگ شده تبدیل کنیم. رسالتی که سرنوشتی جمهوری اسلامی نه همه استراتژی، بلکه تنها حلقه‌ای از آن است. ■

و کارگران موفق به دریافت حقوق معوقه خود شدند.

\* ۲۲ اسفند: اعتصاب کارگران احیا ۲ وابسته به صنایع فولاد در اعتراض به عدم پرداخت حقوق های معوقه و درخواست عیدی. این اعتصاب تا روز بعد ادامه یافت.

\* ۲۳ اسفند: اعتصاب دوساعته کارگران بخش اسلب ۱ و ۲ وابسته به صنایع فولاد در اعتراض به عدم پرداخت حقوق های معوقه. کارگران تهدید کرده‌اند که اگر به درخواست شان رسیدگی نشود به اعتصاب طولانی مدت دست خواهند زد.

\* ۲۳ اسفند: راهپیمایی اعتراضی کارگران کارخانه نساجی شهنواز اصفهان در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و مزایایشان. ■

- از جمهوری اسلامی خواسته می شود که آزادی تشکل و حق اعتصاب را برای کارگران ایران برسمیت بشناسد. او اعلام کرد که این اعتراض را از طریق سفارت جمهوری اسلامی در استکهلم به اطلاع رژیم می‌رساند و عین متن را به سفارتخانه سوئد در تهران و همچنین پارلمان اروپا خواهند فرستاد و در اختیار مطبوعات قرار خواهند داد. ■

را بکند هنوز وجه غالب این مبارزات نیست.

ثانیا: لیبرالیسم سیاسی و راه‌حل‌های "دموکراسی" خواهانه بورژوازی که سخنگویان رنگارنگ و امکانات وسیعی در داخل و خارج دارد تهدیدی جدی برای منحرف کردن مبارزات کارگران و توده های مردم است.

اکنون دیگر سرنوشتی طلبی صرف، مرز مدافعین دروغین «مردم سالاری» را با مدافعین تغییرات بنیادی در جامعه ایران، برای آلترناتیو کارگری، چپ و رادیکال روشن نمی سازد. هنوز تدارک و هماهنگی کافی برای پر کردن این خلا وجود ندارد و چپ

\* ۱۷ اسفند: تجمع اعتراضی چند صد تن از کارگران علاءالدین در برابر ساختمان وزارت کار و امور اجتماعی. تجمع کنندگان قصد انجام راهپیمایی داشتند که با دخالت و پیشگیری نیروهای انتظامی روبرو شدند. گروههایی از کارگران در خیابان آزادی بسوی میدان انقلاب دست به راهپیمایی زدند که با دخالت نیروهای انتظامی پراکنده گردیدند.

\* ۱۷ اسفند: تجمع کلیه کارگران کارخانه های گندله سازی شماره یک و دو در صنایع فولاد اهواز در اعتراض به عدم پرداخت ۴ ماه حقوق معوقه خود.

این تجمع اعتراضی بدنبال اینکه کارگران وقعی به تهدید پیمانکار مبنی بر دخالت حراست نگذاشتند، با موفقیت و پیروزی کارگران پایان یافت

تغییراتی بنیادی در آینده - بطور خاص و سایر جنبش‌های دموکراتیک و توده‌ای علی‌العموم را تشکیل نمی‌دهد. به عنوان مثال این ضعف به کارفرمایان و دولت این جرات و امکان را می‌دهد که ماهها حقوق کارگران را نپردازند و یا «شورای عالی کار» حداقل دستمزدی را برای کارگران در سال آتی پیشنهاد کند که فاصله زیادی حتی از پیشنهاد تشکل‌های کارگری وابسته به دولت دارد و هیچ تناسبی با افزایش دستمزد متناسب با تورم ندارد. مبارزه برای حق اعتصاب و تشکل که بتواند ضمانت پیشرویهای کارگری و توده‌ای



## کوشه‌هایی از اعتراضات کارگری

ترس ادامه اعتراضات روز بعد به قید ضمانت آزاد شدند.

\* ۱۵ اسفند: تجمع اعتراضی صدها تن از کارگران کارخانه‌های تهران در برابر ساختمان وزارت کار و امور اجتماعی در اعتراض به عدم پرداخت حقوق معوقه شان. قصد کارگران بمنظور راهپیمایی از طرف نیروهای انتظامی با بستن راه آنان مسدود گردید.

یا تخفیف بحران همه‌جانبه‌ای که جامعه را فراگرفته و با توجه به تکیه یک جانبه به چماق و سرکوب، به نظر می‌رسد که سالی پرتنش‌تر در پیش باشد. بر این اساس و بر اساس تشدید تضادهای طبقاتی، اجتماعی و سیاسی در جامعه ایران ما شاهد حضور فعال و مستقلانه‌تر کارگران، دانشجویان و توده‌های به ستوه آمده در تحولات آتی خواهیم بود. ولی این بخودی خود کافی نیست. چرا که:

اولا: مبارزات متشکل و مستقل از تشکل های دولتی هنوز سیمای اصلی جنبش کارگری - همچون ستون اصلی

\* ۱۴ اسفند: تظاهرات بیش از ۷۰۰ تن از کارگران کارخانه ریسندگی و بافندگی سیمین اصفهان در اعتراض به عدم پرداخت دستمزد و مزایای معوقه‌شان.

کارگران کارخانه سیمین که با بستن خیابان سیمین اعتراض را در روز ۱۰ اسفند شروع کردند، بدنبال خواست فرصت مدیریت کارخانه تا روز ۱۳ اسفند منتظر ماندند، ولی هنگامی که در موعد مقرر جوابی نگرفتند از ساعت ۱۰ صبح روز ۱۴ تظاهرات خود را در مسیر خیابانهای رودکی، دقیقی و شریعتی شروع کردند. در فلکه توحید با حمله نیروی ضدشورش و چماقدارن رژیم روبرو شدند که در نتیجه تعدادی از کارگران مجروح و ۲۵ تن از آنان دستگیر شدند. کارگران دستگیر شده تسلیم دادگاه شده و از

در پی سرکوب اعتراضات کارگران در اصفهان و تهران توسط نیروی انتظامی جمهوری اسلامی، و در حمایت از خواسته‌های کارگران شماری از سازمانها و فعالین چپ ایرانی اقدام به برپائی یک تجمع اعتراضی در مقابل دفتر مرکزی اتحادیه سراسری کارگران سوئد «ال، او» نمودند.

یک روز قبل از برگزاری تجمع طی تماسی با بخش بین‌المللی «ال، او» از آنها خواسته شد که هیئتی از نمایندگان تجمع کنندگان را ملاقات کنند. آنها اعلام کردند که این درخواست را می‌پذیرند، و ضمن شنیدن آخرین اخبار مربوط به وضعیت کارگران و

## گزارشی از تجمع اعتراضی

### برخی از سازمانها و فعالین چپ ایرانی در استکهلم

مبارزات کارگران ایران حمایت می‌نماید و بطور مشخص بعد از این دیدار اطلاعاتی با این مضمون صادر خواهد کرد و در آن چنین خواهد آمد:

- از جمهوری اسلامی خواسته می شود که حقوق معوقه کارگران پرداخت و دیگر خواسته‌هایشان را متحقق نماید.

مبارزاتشان نظر و موضع «ال، او» را بیان می‌کنند.

بدنبال تجمع، ساعت ۱۳/۳۰ مسئول بخش بین‌المللی «ال، او» به میان تجمع کنندگان آمده و هیئت منتخب را به محل دیدار دعوت نمود.

در این دیدار که در فضائی صمیمانه صورت گرفت، هیئت آخرین رویدادهای مربوط به اعتراضات کارگران را به اطلاع ایشان رساندند. و به سئوالات او پاسخ گفتند.

بدنبال، مسئول بخش بین‌المللی «ال، او» اعلام کرد که «ال، او» از

دفتر نمایندگی کومه‌له در خارج از کشور، طی اطلاعیه‌ای بتاريخ ۴ مارس برابر ۱۴ اسفند ضمن محکوم کردن حمله نیروهای انتظامی به تظاهرات کارگران در اصفهان، حمایت خود را از اقدامات اعتراضی برای محکومیت رژیم ضدکارگری جمهوری اسلامی و به منظور آزادی دستگیر شدگان اعلام داشت.

## پریش از کریم منیری از فعالین جنبش کارگری

**جهان امروز:** اعتراضات و اعتصابات کارگران در ماههای گذشته عمدتاً بخاطر حقوق پرداخت نشده‌شان، ابعاد وسیعی داشته است. ظفره رفتن و بی‌توجهی به این خواست‌ها از طرف کارفرمایان و دستگیری و روانه زندان کردن کارگران - همانگونه که در مورد کارگران سیمین اصفهان روی داد - به نظر می‌رسد که به روالی از طرف رژیم برعلیه کارگران تبدیل شده و می‌شود. حرکت حمایتی نیروهای طرفدار کارگران پراکنده، غیر مستمر و ناهماهنگ است. علت این مسئله از نظر شما چیست و چگونه می‌توان بر این ضعف فایق آمد و بطور کلی چه باید کرد؟

**کریم منیری:** قبل از هر چیز بایستی روی این نکته تاکید کرد که بزرگترین کارفرما در ایران خود حاکمیت است، یعنی طرف اصلی کارگران در درجه اول حاکمیت است و بعد کارفرمایان دیگر. لذا اگر قضیه را از این منظر نگاه کنیم متوجه میشویم که مشکل کارگران و اعتراضاتشان در چارچوب دیگر مشکلات حاکمیت بایستی بررسی شود. در حال حاضر حاکمیت درگیر مشکلات جناحی خود است و این درگیری، اگر نخواهیم از آن داستان بسازیم و ژورنالیستی برخورد کنیم، نه به نقطه اوج، حداقل به مرحله حساسی رسیده است (با توجه به نزدیک شدن انتخابات رئیس جمهوری). همانگونه که تاریخاً هم شاهد بوده‌ایم، هرگاه حاکمیت در چند دستگی و در نتیجه در موضع ضعف بوده است جنبش‌های مردمی و از آنجمله جنبش کارگران رشد کرده است. در نتیجه این رشد در عین حال که منبعت از وضعیت اقتصادی بد کارگران و از آنجمله عقب افتادن ماهها حقوق کارگران است، ولی در عین حال حاصل وضعیت بحرانی جامعه نیز میباشد. والا اگر به وضعیت اقتصادی کارگران توجه کنیم پی می‌بریم که همواره دچار وضعیت بدی بوده‌اند، و حالا با این عقب افتادن‌های حقوق و بی‌ارزشی ریال وضع بحرانی شده است. یعنی میخواهم بگویم اگر کارگران امکان اعتراض میداشتند، همواره اعتراض میکردند. اینک حاکمیت در مقابل این اعتراضات تاکنون چه کرده است،

باصطلاح جبهه دیگری برای خود باز کند، چون بخوبی روشن است که جناح دیگر از اینگونه برخوردها به نفع خود استفاده خواهد کرد. در عین حال که کارگران نه تنها در جناح طرف مقابل نیستند بلکه با اعتراضاتشان مشکلی به مشکلات جناح مقابل می‌افزایند و این به نفع جناح قدرتمند حاکمیت است.

۲- از سوی دیگر حاکمیت آنچنان در وضعیت بحرانی اقتصادی است که بهیچوجه قادر به ارائه راه حلی در جهت آرام کردن وضع نیست چون میبایستی بخصوص در این موقعیت راه حلی برای اقتصاد بیمار و بحران زده پیدا کرد و در عین حال سرکوب را هم همزمان اجرا نمود که چنین امکانی نقداً وجود ندارد، بنابراین راه حلی را که آنها پیدا نموده‌اند سکوت در مقابل این اعتراضات است و بدینوسیله میخواهند این جنبش را در انزوا نگاه دارند همچنانکه تا حدودی توانسته‌اند این کار را بکنند. در مورد حرکت حمایتی نیروهای طرفدار کارگران، من قضیه را اینچنین نمی‌بینم و حرکت حمایتی را در چارچوب دیگری ارزیابی میکنم که بحث طولانی است و در این چند خط نمی‌گنجد ولی بطور کلی می‌گویم که بعضاً نیروهائی که خود را حامی و طرفدار طبقه نیز معرفی میکنند، نقداً درگیر دموکراسی طلبی هستند و همه نیروی خود را صرف حمایت از آن جریاناتی کرده‌اند که در جهت دموکراسی به نفع یک جناح حرکت میکنند و

بدینوسیله داخل درگیریهایی جناحی شده‌اند که بنظر من نه اشتباه آنان بلکه حرکت اصیل آنان میباشد.

ولی در مورد اینکه چه میتوان کرد اگر سؤال را صرفاً در چارچوب یک حرکت حمایتی بخواهم پاسخ دهم، بایستی بگویم که بهتر است از کلیه حرکت‌های کارگری حمایت نمود و سعی کرد که تا حد امکان این حرکات را در سطح گسترده افکار عمومی منعکس نمود. بر تشکل مستقل کارگری تاکید نمود و با طرح کلیه شعارهای این جنبش به استقلال این حرکت صحنه گذاشت، ضمن آنکه با تاکید بر شعارهای مترقی و عمده آن به گسترش و عمق یابی اینگونه خواسته‌ها کمک نمود. در حالیکه جناح دموکراسی طلب بر ممنوعیت ورود قوای نظامی به دانشگاهها و.. تاکید دارند بایستی بر این شعار هم تاکید کرد و آنرا عمومیت بخشید که «ورود قوای نظامی به کارخانه‌ها ممنوع».. بطور کلی در حالیکه همه نگاهها بسوی دموکراسی طلبی چرخیده است، از اینسوی بایستی سعی شود که کانون اصلی حرکت را جنبش کارگری نشان دهیم، ضمن آنکه نه تنها هیچ مخالفتی با دموکراسی طلبی نداریم ولی فکر میکنیم که باید جنبش کارگری را به سطح افکار عمومی آورد و سعی نمود که تیرت روزنامه‌ها و نشریات ایران نه فقط دموکراسی، که جنبش کارگری هم باشد.

### جانباختن چهار کارگر در اثر انفجار معدن!

براساس خبر روزنامه همبستگی در روز ۸ اسفند در جریان انفجار معدن کارمزد در سوادکوه ۴ کارگر جان خود را از دست دادند. این انفجار در ساعت ۱۹ و ۳۰ دقیقه دوشنبه پس از تخلیه ذغال سنگها و خروج کارگران از معدن برای آتشبار اتفاق افتاد. اسامی جانباختگان شعبانعلی فلاح، رمضان نوری، حسین یعقوبی و سیراله محمدی می‌باشد که دو نفر اول در شعله‌های آتش سوختند.

### از نامه کارگران اخراجی شهرداری

گروهی از کارگران اخراجی شهرداری تهران طی نامه‌ای خواستار پی گیری علت اخراج و مشکلات اقتصادی ناشی از بیکاری خود در طی ۵ سال گذشته شدند. در قسمتی از این نامه آمده است: «.. در حال حاضر ما در بلا تکلیفی به سر می‌بریم و در طول این مدت (۵ سال) خود و خانواده‌هایمان حتی رنگ عید را ندیده‌ایم، فرزندان ما در حسرت و آرزوی یک دست لباس نو و حتی یک شام سیر هستند».

مهاجرت ایرانیان در چند ماه اخیر به کشورهای خارجی که به فرار مغزها اشتها یافته است مورد توجه رسانه های گروهی ایران قرار گرفته و از زوایای گوناگون به آن پرداخته اند. موضوع با پیرایه های خاصی مطرح میشود که خود برانگیزاننده حساسیت افکار عمومی است. آنچنان، گویی که مسئله مزبور پدیده ای است نو ظهور و ابعاد، علل و انگیزه های آن ناشناخته است. ژورنالیستهای ایرانی فراموش میکنند که این پدیده همزاد رژیم اسلامی زاده شده و پا به ۲۲ سالگی گذاشته است و مستمر و لاینقطع بر بستر کین طبقاتی و تعصب و خشک اندیشی مذهبی رژیم اسلامی نسبت به جامعه ایران جریان دارد. افزون بر رسانه ها فرار مغزها از طرف مسئولان و دست اندر کاران جمهوری اسلامی نیز مورد خاطر نشان قرار گرفته است. دو هفته قبل خاتمی رئیس جمهور اسلامی طی سخنانی ضمن اشاره به پی آمدهای منفی آن و اشاره به اینکه نخبگان و دانشمندان سرمایه های بزرگی هستند، سخن از یک بررسی علمی بمیان آورد. متعاقب این سخنان وزارت علوم اعلام نمود: که گروه ویژه ای را مأمور بررسی علل و انگیزه های مهاجرت ایرانیان و فرار مغزها کرده است، اگر صداقتی در این امر وجود داشته باشد؟ این خود مصداق نوشداروی بعد از مرگ سهراب است!

طبق آمار منتشره از سوی کمیساریای عالی پناهندگی، ایران در صدر کشورهای قرار دارد که تحصیلکردگان و نخبگان علمی آنها بکشورهای پیشرفته و صنعتی میگریزند. ایران با ۲۵ درصد و برزیل با ۳، هند ۲/۷ و مصر ۲/۵ درصد در مراحل بعدی قرار دارند. براساس گزارش مزبور تعداد مهاجرین ایرانی در سال گذشته نسبت به سال قبل تر ۱۳ درصد افزایش یافته است بر اساس آمارهای غیر رسمی حدود ۴ میلیون ایرانی یا در واقع سرمایه انسانی بیکرانی که کشورهای پذیرنده، پیشیزی بابت هزینه تربیت و آموزش آن پرداخت نکرده اند از گنجینه مهارت و تخصص و نیروی کار آنها سود می برند. جمهوری اسلامی میزان این

رشید رزاقی

## مهاجرت و فرار مغزها پدیده همزاد جمهوری اسلامی

"اصلاحات کاخی" پیچ میخورد! ناجیان اسلام به تکاپو افتاده اند تا بزعم خود راه حلی برای معضل بیابند. بگزارش روزنامه ها در این اواخر ۱۸۵ هزار نفر از مدیران، متخصصان و صاحبان سرمایه برای دریافت ویزا به سفارتخانه کشورهای مختلف مراجعه کرده و منتظر خروج از کشورند. بنا بگزارشها، روزانه ۱۵ نفر با مدرک کارشناسی و درجه لیسانس و ۲ دکتر از کشور خارج میشوند. بر همین اساس ۹۲/۵ درصد نخبگان و برندگان المپیاد های بین المللی جذب کشورهای صنعتی شده اند.

تکاپوی رژیم بمنظور بررسی و دستیابی به راه حل های ممکن جهت جلوگیری از فرار مغزها جنبه تظاهر و واکنشی غیرجدی است. تعیین گروه تحقیق برای آشنائی و کند و کاو در انگیزه های مهاجرت، که یقیناً مدت زمان پژوهش را کش خواهند داد! کاری عبث، دفع الوقت و به چپ کوجه زدن از واقعیت های اجتماعی و سرپوش گذاشتن بر عملکردهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی رژیم است. دستیابی به علل و انگیزه های چنین پدیده ای با آنهمه سابقه طولانی در خور ظرفیت چند جلسه مجلس شورای اسلامی و یا یک نهاد حکومتی است. و اگر قرار است صادفانه به حل مشکل پرداخته شود به یک دگرگونی واقعی و یک بازاندیشی عمیق که عملکرد و نگرش رژیم را در زمینه های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و فرهنگی بر اصول آزادیهای انسانی و موازین دمکراسی وسیع منطبق بر انتظارات دنیای متمدن امروزی و انسان ترقیخواه هزاره سوم استوار نمایند نیاز است. یعنی اینکه: دیگر شهروند ایرانی به خاطر نادیده گرفتن حقوق بشر، پایمال کردن آزادیهای فردی و اجتماعی، سرکوب طبقاتی، تبعیض جنسی و ملی و مذهبی، نابرابری و نبود عدالت اجتماعی، خشونت قانونی و قضایی و تحمیل

سرمایه گذاری را که از آن بعنوان خسران سرمایه انسانی نام میبرد ۳ میلیارد ونیم دلار برآورد کرده است. یعنی کشور های صنعتی برایگان این سرمایه را تصاحب و سودبری از آنرا به تملک خود در آورده اند.

مطرح کردن مهاجرت و فرار مغزها از سوی مقامات جمهوری اسلامی بحث برانگیز و خالی از ابهام نیست، زیرا تا کنون آیت الله های ایرانی این مهاجرتها را به طالع نیک میگرفتند. و ضمن آنکه آنرا روزنه ای برای کسب ارزتلقی میکردند. همچنین زیر ساختی برای ایمن سازی فضاومحیط اسلامی میپنداشتند. جدا از سرکوبی های طبقاتی، آنها با اعمال فشار و خشونت علیه شهروندان و با مسموم کردن فضای اجتماعی - فرهنگی و نا امن سازی زمینه های سیاسی و اقتصادی برای کلیت " غیر خودی"؛ در صدد بوده اند ضریب امنیتی نظام را تحکیم بخشند و با بیرون راندن کمونیستها، فعالان کارگری ناراضیان تبعیض جنسی و معترضین اقلیتهای ملی و مذهبی، کشوری خالی از عناصر ناراضی و مقاومت برانگیز را مهیا بینند. تا بدینوسیله موفقیت خود را در زمینه تحقق اهداف طبقاتی و ارتجاعی و واپسگرایانه و تثبیت الگوهای رفتاری و فرهنگی با ساختاری مذهبی تضمین نمایند. هر چند از این بابت، جمهوری اسلامی سرش به سنگ خورده است! اما دو دهه آزرگار، این پروسه پی گیری شده است! تا اینکه اثرات زیانبخش تحلیل بردن نیرو و سرمایه انسانی در قالب فقدان مدیر و کاهش متخصص خود رانمایان ساخت. و مشاهده گردید که " ایمان ابزاری" با تخصص و تکنیک ومدرنیت قابل معاوضه نیست و تعهد به ارزشها و هنجارهای مذهبی جایگزینی مناسب و منطقی و علمی برای آن نمیشد. حال که دامنه امواج سیل مهاجرت و فرار مغزها گرداگرد پای مدیران مؤمن و متوهمان سرخورده و مأیوس از

الگوهای ساختگی و تحمیلی و... مجبور به ترک دیار و زادگاه خود نشود. برای این امرکافیست اراده و خواست طبقات محروم اجتماعی را در قالب تشکلهای انتخابی بی واسطه در اداره امور و سرنوشت خویش دخیل کرد تا ضمن تغییر و دگرگونی اجتماعی و اقتصادی، مشکلات را به نیروی جمعی و خلاقه خویش حل و فصل نمایند.

با توجه به تناقضات و تضادها و نابسامانیهای منبعث از ایدئولوژی بورژوائی و مذهبی رژیم، پایانی برای متوقف شدن جریان مهاجرت و فرار مغزها متصور نیست. بطور مثال بیکاری میلیونها جوان ایرانی که ریشه در رکود، بحران سرمایه داری و عملکرد اقتصادی و نگرشهای اجتماعی رژیم دارد در آینده ای کوتاه مدت و حتی دور هنگام قابل رفع نیست. تمامی تلاش رژیم در اینست تا این معضل به بحران اجتماعی بدل نگردد. و نهایت کوشش، ثابت نگه داشتن میزان بیکاری در سطح ۳۰-۴۰ درصدی کنونی است. برای این منظور رژیم وعده داده است که سالانه ۷۰۰ تا ۸۰۰ هزار نفر فرصت شغلی جدید ایجاد نماید. اما واقعیتها خلاف حرف و آرزو عمل میکند. شرایط اقتصادی در کشور بگونه ایست که هیچگاه رشد اقتصادی بالای ۷-۸ درصدی متحقق نمیشود! و ازطرفی طبق گفته کمالی وزیر کار هرسال نیروی برابر با یک میلیون و ۳۰۰ هزار وارد بازار کار میشود. تازه اگر نرخ ۲/۷ درصد رشد موالید سالهای ۶۰ بعد را مد نظر بگیریم، شمار تازه واردین به بازار کار از رقم اعلام شده کمالی نیز فراتر میروند. درحالیکه دولت در بهترین حالت ممکن فقط میتواند ۳۰۰ تا ۴۰۰ هزار شغل ایجاد نماید. کماینکه در سال گشته فقط ۴۰ هزار فرصت شغلی مقدور گردید. از میان ۱۵۰ هزار تحصیلکرده دانشگاهی کمتر از ۲۵ در صد وارد بازار کار میشوند و تناقضی لاینحل وجود دارد، که بیشترتخصصها بدر بازار کار نمیخورد، و همچنین بازار تخصص مورد نیازش را در میان فارغ التحصیلان دانشگاهی نمییابد. بگفته





تمامی راه کارهایی که از طرف جمهوری اسلامی ارائه شود سرابی بیش نخواهد بود و همچنان جوانان و شهروندان ایرانی، باموجودیت این رژیم باید پیله آوارگی و ضایعات ناشی از عوارض روحی و اقتصادی آنرا بر تن بمالند.

میتوان به جوانان بیکار، امید به آینده و زندگی را تقویت نمود و زندگی مستقل و پر درآمد را به آنها نئید داد. بهمین لحاظ در صورت نادیده گرفتن سایر عوامل، خود این عرصه به تنهایی موجب تداوم مهاجرت و فرار مغزهاست و ناامنی سیاسی نیز بر شدت آن خواهد افزود.

کمالی تا سال ۸۳ یعنی سال پایانی برنامه سوم جمعیت فعال کشور بیش از ۶ میلیون نفر افزایش مییابد و به مرز ۲۱ میلیون ۶۰۰ هزار نفر میرسد که در خوشبینانه ترین فرض فقط نیمی از این جمعیت جذب بازار کار میشود. حال با این تصاویر چگونه

## اعتراضات گسترده جوانان در مراسمهای چهارشنبه سوری بر علیه رژیم

مراسم چهارشنبه سوری در بسیاری از شهرهای ایران از جمله تهران، تبریز، کرج، سنندج، مهاباد، سقز، اشنویه، پاوه، مشهد و... به نمایش گسترده اعتراضی مردم بویژه جوانان بر علیه رژیم تبدیل شد.

نیروهای انتظامی رژیم در غالب شهرها از ۲۴ ساعت پیش از شروع مراسم آتش افروزی در آماده باش بسر بردند. در مواردی زیادی در حین مراسم با تیراندازی هوایی سعی در متفرق کردن مردم نمودند و در مواردی این مراسمها به خشونت و زد و خورد با ماموران رژیم انجامید و تعداد زیادی زخمی و صدها نفر دستگیر شدند.

\* در کرج تجمع و پایکوبی صدها تن از جوانان در یکی از میادین شهر با دخالت عوامل انتظامی به خشونت گرائید. همچنین نیروهای انتظامی با شلیک گاز اشک آور و استفاده از باتوم سعی در متفرق کردن کسانی که در برابر پادگان شهید شرع پسند کرج تجمع کرده بودند نمودند و تعدادی از تظاهرکنندگان هم متقابلاً با پرتاب سنگ و نارنجک های دست ساز چند نفر از ماموران را زخمی کردند.

\* در منطقه پارس آباد در شرق تهران نیز در اثر درگیری نیروهای انتظامی با جوانان، ۴۰ نفر دستگیر شدند.

\* بر اساس اخبار رسیده به جهان امروز، ساعت ۴ بعدازظهر روز سه شنبه ۲۳ اسفند، مصادف با چهارشنبه سوری، مردم شهر اشنویه بر بلندبهای مسلط بر این شهر از جمله «سلطان مصطفی» آتش روشن کردند. یکی از آتشیهای حاشیه شهر به دستور اطلاعات بوسیله ماشینهای آتش نشانی خاموش گردید. این مسئله موجبات اعتراض بیشتر مردم را فراهم کرد و روشن کردن آتش به خیابانها و کوچه های شهر گسترش پیدا کرد. در محله ای بنام شهرک در حاشیه شهر جوانان تخم مرغ به طرف سرنشینان خودروهایی گشتی پرتاب کردند. نیروهای رژیم برای متفرق کردن مردم در سطح شهر دست به تیراندازی زدند که تلفاتی بدنبال نداشت.

نیروهای انتظامی و اطلاعات از چند روز قبل از چهارشنبه سوری به کلیه پنجر گیری های شهر اشنویه مراجعه و با شمردن شمار لاستیک های موجود در مغازههایشان از آنها تعهد گرفتند که حق فروش لاستیک در روزهای نوروزی را ندارند. اخبار شهرهای دیگر کردستان در این رابطه را نیز در اطلاعیه های دفتر نمایندگی کومهله ملاحظه می کنید.

### اطلاعیه های دفتر نمایندگی کومهله در خارج کشور (نیمه اول مارس ۲۰۰۱)

\* دفتر نمایندگی کومهله در خارج کشور در اطلاعیه بتاریخ ۱۲ مارس خبر از دستگیریهای وسیع در شهر سقز را منتشر کرد که در آن آمده است: «بنا به خبری که امشب بدست ما رسیده، طی دیروز و امروز شماری در حدود ۶۵ نفر از مردم، بخصوص جوانان در سطح شهر دستگیر و بازداشت شده اند. امروز (دوشنبه ۱۲ مارس) شمار زیادی از مامورین نیروی انتظامی در سطح شهر و بخصوص در میدان "هملوی" این شهر پخش و کنترل و گشت زنی بیسابقه ای به جریان افتاده بود.

\* در اطلاعیه دیگری بتاریخ ۱۳ مارس از طرف دفتر نمایندگی کومهله درباره تجمعات اعتراضی شهرهای کردستان می خوانیم: «روز سه شنبه ۱۳ مارس (۲۳ اسفند) شماری از شهرهای کردستان از جمله سنندج، مهاباد، سقز، پاوه و اشنویه شاهد برگزاری تجمعات اعتراضی مردم بجان آمده علیه رژیم جمهوری اسلامی بود، که بدلیل حضور گسترده نیروی انتظامی مستقر در شهرها و جلوگیری از پخش اخبار این حرکتها، تاکنون تنها اخبار تظاهراتهای نقاط مختلفی از سنندج و مهاباد را دریافت کردیم که بدینوسیله به اطلاع شما مردم آزادخواه میرسانیم.

**سنندج** : امروز بعدازظهر در انتهای خیابان شهدا ( فرح سابق ) و محله تفتقان و کارآموزی تجمع اعتراضی برگزار شد که در جریان آن و برای بیان اعتراض به نمادهای حکومتی، شیشه بانک ملی مستقر در کارآموزی شکسته شد. همچنین تظاهرات مشابهی در خیابان فردوسی و در مقابل و نزدیکیهای پاساژ "نهر" برگزار گردید که جوانان علیه حکومت شعار دادند. نیروی انتظامی که پیشاپیش برای مقابله با چنین اعتراضاتی در آماده باش کامل بودند، بوسیله باتوم و دیگر ابزارهای حمله به تجمعات، به این تظاهرات حمله کرده و شماری را دستگیر نمودند.

**مهاباد** : بنا به خبری که از مهاباد رسیده، امروز عصر تظاهرات گسترده ای در خیابانهای انقلاب و مولوی این شهر برگزار شد که به درگیری با نیروی انتظامی رژیم منجر گردید. در جریان حمله مامورین به مردم شماری زیادی بازداشت و تعدادی از تظاهر کنندگان مجروح شده اند.

## آدرس های حزب کمونیست ایران و کومهله در خارج کشور

Communist party of Iran:  
دبیرخانه حزب کمونیست ایران  
C.D.C.R.I.  
Box 704 45  
107 25 Stockholm - Sweden  
Tel/Fax +46-08-86 80 54  
E-mail: [cpi@cpiran.org](mailto:cpi@cpiran.org)

International Bureau - CPI  
دفتر روابط بین المللی  
Box 1348  
London WCIN 3XX  
England  
Tel: (44) 0385 94 08 16  
Fax: (44) 0181 931 83 52  
E-mail: [ib@cpiran.org](mailto:ib@cpiran.org)

Representation of Komala  
abroad:  
دفتر نمایندگی کومهله  
در خارج کشور  
K.K.

P.O.Box 75026  
Box 750 26 Uppsala- Sweden  
Tel/Fax: +46-18-46 84 93  
E-mail: [komala@cpiran.org](mailto:komala@cpiran.org)

شماره تلفن و فاکس :  
۰۰۴۶ ۸۴ ۸۴ -۱۸ -۹۳  
ساعتهای تماس :  
برای طرح سوال و دریافت جواب پیرامون تأییدیهها روزهای دوشنبه و جمعه از ساعت ۷ تا ۹ شب به وقت اروپا  
۰۰۴۶ ۷۰۷۴۷۶۸۵۴۲  
در بقیه موارد روزهای سه شنبه و پنج شنبه از ساعت ۸ تا ۱۰ شب به وقت اروپا  
۰۰۴۶ ۸۴ ۸۴ -۱۸ -۹۳

## کومهله در کردستان

### دفتر نمایندگی کومهله

در سلیمانیه  
Tel . 24760 - 25815  
کمیته مرکزی کومهله  
Tel. 00870-7623-82839  
[komalah@hotmail.com](mailto:komalah@hotmail.com)

## صدای

### حزب کمونیست ایران

هر شب: ۲۰/۳۰ - ۲۱/۳۰  
صبح جمعه ها: ۸ - ۹  
۷۵ متر برابر ۳۸۸۰ کیلوهرتز  
۶۵ متر برابر ۴۳۸۰ کیلوهرتز

### صدای انقلاب ایران

ظهورها: ۱۳ - ۱۴  
عصرها: ۱۸ - ۱۹  
۷۵ متر برابر ۳۸۸۰ کیلوهرتز  
۶۵ متر برابر ۴۳۸۰ کیلوهرتز  
۴۹ متر برابر ۶۴۲۰ کیلوهرتز

19 March 2001 . NO: 56

JE - P:O:Box 3015

145 03 Norsborg SWEDEN

Editor: Halmat Ahmadian ✉ ha@cpiran.org

## گزارشی از تظاهرات

### زنان مبارز شهر سنندج

روز پنجشنبه ۸ مارس برابر با ۱۸ اسفند، زنان آزادیخواه سنندج همزمان با زنان و مردان برابری طلب در سراسر دنیا در ساعت ۵/۱۵ دقیقه بعدازظهر همراه خانواده‌هایشان در میدان اقبال تجمع نمودند. تظاهرکنندگان در حالیکه هرکدام شامخای گل و بادکنک قرمز در دست داشتند، روز جهانی زن را به همدیگر تبریک می‌گفتند. مردان مبارز نیز با تقدیم شاخه های گل به زنان هم دلی و پشتیبانی خود را ابراز می‌داشتند. ساعت ۵/۴۰ دقیقه تظاهرکنندگان درحالی‌که شعار زندهباد ۸ مارس، زنده باد روز جهانی زن، زنده باد وحدت مبارزاتی زنان سوسیالیست می‌دادند، به حرکت درآمدند. تعدادی از آنها مقنعه و حجاب را پرت کردند. صف تظاهرات که مرتباً بر تعدادشان افزوده می‌گشت به طرف خیابان فردوسی به راه افتاد و در طول راه نیز مرتباً بر تعداد شرکت‌کنندگان در تظاهرات افزوده می‌شد. نیروهای سرکوبگر که از این امر اطلاع یافتند خود را به تظاهرات نزدیک کرده و ساعت ۶/۴۰ دقیقه از ترس گسترش تظاهرات مانع ادامه آن شدند. این تظاهرات که از حمایت و پشتیبانی بی‌دریغ مردم مبارز شهر سنندج بهره مند بود نشاندهنده سطح بالای شعور سیاسی و طبقاتی و برابری طلبی زنان کردستان است. زنان قهرمان شهر سنندج در این تظاهرات علیرغم حاکمیت سرنیزه، بار دیگر وحدت مبارزاتی و هم سرنوشتی خود را با زنان جهان به نمایش گذاشتند. این تظاهرات برگ زرین دیگری از مبارزه زنان و مردم آزادیخواه شهر سنندج برعلیه نظام جهل و خرافه جمهوری اسلامی و مردسالاری در ایران است.

در ضمن راهپیمایی دیگری با شرکت عمده شرکت کنندگان در همان روز از میدان «سلوسن» بطرف «مدیویار پلاتسن» به مناسبت روز جهانی زن بعمل آمد.

**۹ مارس:** سمیناری از طرف «جمعیت مبارزه برای دفاع از آزادی زنان ایران» در ساختمان «آ.ب.اف مرکزی» با شرکت جمعی از فعالین و طرفداران جنبش زنان برگزار گردید. که در آن سخنانی درباره مسائل زنان مهاجر و .. از طرف هایدو درآگاهی، صدیقه محمدی و احمد اسکندری ارائه شد. بدنبال، جلسه با بحث و گفتگو از طرف حاضرین در سمینار ادامه یافت.

**۱۰ مارس:** جشنی به مناسبت روز جهانی زن با شرکت جمع وسیعی از اعضا، هواداران و دوستان جمعیت در رستورانی در «بردینگ» پیش رفت، که در آن پیام جمعیت و پیام کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران به این مناسبت قرائت گردید. مراسم با خواندن چند شعر و ترانه و برنامه‌های هنری و رقص تا پاسی از شب ادامه داشت.

### گرامیداشت روز جهانی زن در کاسل (آلمان)

بنابه گزارشی که واحد کاسل تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست ایران برای جهان امروز ارسال داشته، فعالین حزب، ۸ مارس روز جهانی زن را با شرکت فعال در محافل و مراسم‌های به این مناسبت گرامی داشتند و با تکثیر و پخش وسیع اطلاعیه کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران به مناسبت روز جهانی زن در سطح شهر و همچنین انتشار و توزیع ویژه‌نامه‌ای حاوی یادنامه چندین پیشمرگ زن که در صفوف کومه‌له و در مبارزه با نابرابری و هرگونه تبعیضی جان باخته اند، یاد این روز را گرامی داشتند.

## گزارشی از برگزاری

### مراسم ۸ مارس روز جهانی زن

#### در اردوگاه مرکزی کومه‌له

#### سازمان کردستان حزب کمونیست ایران

بعدازظهر روز جمعه ۱۳۷۹/۱۲/۱۹ به مناسبت بزرگداشت روز جهانی زن، مراسم باشکوهی با شرکت بیش از ۷۰۰ نفر از نمایندگان احزاب و جریانات سیاسی و گروه‌ها و نهادهای اجتماعی، شخصیت‌ها، دوستان و هواداران، اعضا و پیشمرگان کومه‌له در اردوگاه مرکزی کومه‌له برگزار گردید. مراسم با سرود انترناسیونال سرود جهانی همبستگی طبقه کارگر شروع شد و سپس برای گرامیداشت یاد و خاطره جانبازان راه آزادی و سوسیالیسم یکدقیقه سکوت اعلام گردید.

بدنبال محمد نبوی عضو کمیته مرکزی کومه‌له سخنانی در رابطه با وضعیت زنان در جامعه و عزم حزب کمونیست در مبارزه بر علیه ستم بر زنان ایراد نمود.

بدنبال اجرای سرود "بیا خیزید قیام است ای زنان جهان" توسط گروه سرود "بانگه‌واز" کومه‌له، پیام کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران به مناسبت روز جهانی زن قرائت شد. سپس قطعه شعری بنام زولفا دکلمه شد و در خاتمه نام سازمان‌ها و جریانات سیاسی که به این مناسبت پیام ارسال داشته بودند اعلام گردید. بخش دوم مراسم با موسیقی و آواز هنرمندان و رقص تا دیروقت ادامه داشت.

### گرامیداشت روز جهانی زن

#### در استکهلم (سوئد)

بنا به گزارش «جمعیت مبارزه برای دفاع از آزادی

زنان ایران» روز جهانی زن، جدا از برنامه‌های ویژه رادیو زنان (راديو محلی جمعیت در استکهلم به زبان کردی) به این مناسبت، برنامه‌های زیر پیش رفت:

**۸ مارس:** از طرف چند تشکل سوئدی و خارجی از ساعت ۱۰ صبح تا ۹ شب در «کولتوروس» واقع در میدان مرکزی شهر استکهلم، مجموعه‌ای پانل و سینمار سیاسی و فرهنگی، نمایشگاه عکس و برنامه‌های هنری اجرا شد. از ساعت ۳/۵ همانروز در میدان «سرگل توریت» گردهمایی وسیعی از سازمانهای زنان سوئدی و خارجی برپا گردید که در آن از جمله پیام «جمعیت» به زبان سوئدی از طرف «آمین کاکه باوه»، بمناسبت روز زن خوانده شد. سخنرانی‌ها تا ساعت ۵ ادامه داشت و از ساعت ۶ بعد ازظهر بخشی از زنان و مردان شرکت کننده در گردهم آیی با مشعل‌های فروزان به طرف «هومله گوردن» که در آنجا مجسمه زن آزادیخواه «فریدریکا برمیر» قرار دارد راهپیمایی کردند.

### جانباختن ۵ کودک در اثر انفجار مین در اشنویه

بنا به خبری از اشنویه، چند روز پیش در روستای «ده‌گورجی» بر اثر انفجار یک مین، ۵ کودک که ۲ نفر آنها فرزندان خانواده‌ای به نام یاسین، یکی از خانواده سلیمان عبدالله، یکی از خانواده اسماعیل برکل و آخری از خانواده محمدامین مام غفور بوده‌اند، جان خود را از دست داده‌اند.

